تأملی بر پدیده نفوذ در دوران نومحافظه‌کاران بر اساس اندیشه رهبر انقلاب

تشریح جزئیات «نظریه نفوذ»

■ دکتر حمیدرضا اسماعیلی ■

بخش دوم

■ **مراحل مقابله با انقلاب؛ براندازی، استحاله و نفوذ**

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مراحل برنامه دشمن جهت مقابله با انقلاب اسلامی را به ۳ مرحله «براندازی»، «استحاله» و «نفوذ» تقسیم می‌کنند که به ترتیب تاریخی رخ داده‌اند. به عبارت بهتر، مخالفان انقلاب اسلامی از ابتدا سراغ براندازی جمهوری اسلامی به روش‌های مختلف رفتند اما چون به نتیجه مطلوب دست نیافتند، برای تغییر ماهیت نظام سیاسی کشور سراغ روش‌های دیگر که همان استحاله و نفوذ بود، رفتند. در حقیقت فرق روش براندازی با استحاله و نفوذ در شکل آن است اما در محتوا تفاوت مهمی ندارند. در همه این موارد روح و ماهیت و حقیقت انقلاب و جمهوری اسلامی تغییر می‌کند اما در روش اول، کالبد آن هم از بین می‌رود؛ در ۲ روش دیگر، کالبد و ظاهر برای مدتی باقی می‌ماند اما اصل دچار دگرگونی می‌شود.

مطابق نگاه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای «نفوذ» مرحله پس از «سرکوب» است و زمانی رخ می‌دهد که دشمن در سرکوبگری خویش شکست بخورد. البته در اینجا آیت‌الله خامنه‌ای بر نفوذ سیاسی در سطح نیروهای سیاسی و دولتمردان تأکید می‌کنند. شاهد مثال و جامعه مطالعاتی این نظر آیت‌الله خامنه‌ای درباره مراحل سرکوب و نفوذ، جامعه ایران پس از انقلاب بود که ایشان به عنوان شاهد مثال و نیز مصداق نظر خویش به آن اشاره می‌کنند. از ویژگی‌های مهم نفوذ در این سطح و با این نگاه عبارت است از: ارتجاع و محافظه‌کاری در بازگرداندن ساختارهای سیاسی فاسد گذشته، اصلاحات صوری و ظاهری، تطمیع و تهدید نیروهای سیاسی و بازسازی نیروهای ضدانقلابی: «بزرگ‌ترین هدف‌شان پس از ناتوانی از مهار و سرکوب ملت‌ها، تلاش در جهت تسلط بر اتاق فرمان انقلاب‌ها و نفوذ به درون احزاب مؤثر، حفظ حداکثری ساختارهای قبلی رژیم‌های فاسد و اکتفا به رفرم‌های سطحی و نمایشی، بازسازی نیروهای بومی خود در کشورهای انقلاب کرده، تطمیع، تهدید و احتمالاً در آینده، ترور یا تلاش برای خریدن برخی افراد و گروه‌ها در جهت متوقف ساختن یا ارتجاع در انقلاب‌ها و سرد کردن، مأیوس کردن یا درگیر کردن مردم با مسائل فرعی و با یکدیگر، دامن زدن به تضادهای قومی و قبیله‌ای یا مذهبی یا حزبی، جعل شعارهای انحرافی در جهت تغییر ماهیت جنبش‌ها، کنترل مستقیم یا غیرمستقیم بر ذهن و زبان انقلابیون و کشاندن آنان به درون بازی‌های سیاسی یا تفرقه‌اندازی میان آنان و از طریق آنان میان گروه‌های مردمی، تلاش برای سازش پشت پرده با برخی خواص با وعده‌های دروغ همچون کمک مالی و... و ده‌ها ترفند دیگر است». (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴ بهمن ۹۰)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چند ماه پیش از آغاز تحولات عربی در زمستان ۸۹ درباره نفوذ در جهان اسلام هشدار می‌دهند و آن را با «جنگ احزاب» مقایسه می‌کنند که طی آن وحدت اسلامی به خطر می‌افتد و به جای آن فرقه‌گرایی رشد می‌کند. (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۷مهر۸۹) ایشان پیگیری هدف نفوذ سیاسی در ایران را به‌طور ویژه پس از شکست آشوب‌های سال ۸۸ که با هدف براندازی صورت گرفت می‌دانند و معتقدند از آن پس «نفوذ» به طور جدی پیگیری شد: «آخرین نمایشنامه آنها که روی صحنه آمد همین فتنه ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده‌ای در داخل، به خاطر حب نفس، حب مقام - از این قبیل امراض خطرناک نفسانی - اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته... هدف... این بود و هست کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی می‌ماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که می‌توان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرف‌های اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد». (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۵بهمن۸۹)

با وجود این آیت‌الله خامنه‌ای سال‌ها بعد و متناسب با تجربه‌ای که نظام سلطه در چند دهه گذشته از انقلاب اسلامی داشته، بیان می‌کنند نفوذ آنها در ایران دیگر برای انجام برخی عملیات‌های مقطعی مانند «کودتا» نیست، زیرا «می‌دانند در ایران... با ساختی که جمهوری اسلامی دارد، کودتا معنا ندارد». لذا ممکن است مثلاً در کشور دیگری از این نوع نفوذ استفاده بکنند اما در انقلاب اسلامی و با توجه به شکست‌های قبلی، این برنامه را دنبال نمی‌کنند. به عبارت دیگر گرچه ایشان نفوذ در نیروهای نظامی را که گاهی در قالب «کودتا» نمایان می‌شود از اقسام نفوذ می‌دانند اما تصریح می‌کنند مقصودشان از تأکید بر نفوذ این معنای نفوذ نیست. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰ اسفند۹۴)

لازم به ذکر است آیت‌الله خامنه‌ای تصریح دارند بیان مراحل سه‌گانه «براندازی»، «استحاله» و «نفوذ» و مثلاً اینکه غرب در دوره جدید سراغ نفوذ و جنگ نرم آمده به این معنا نیست که سیاست‌های پیشین کاملاً فراموش شده‌اند و امکان وقوع دوباره آنها نیست، بلکه سخن این است که اولویت با جنگ نرم و نفوذ است؛ نه با روش‌های سخت براندازی. ایشان «جنگ» و «کودتا» و «شورش‌های قومی» را ۳ شیوه براندازی در همان مرحله نخست می‌دانند که چون به جایی نرسید، سراغ براندازی نرم آمدند. (بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۴ آذر۸۸)

■ **نفوذ نرم و جنگ نرم**

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای براساس ۲ نوع جنگ نرم و سخت نفوذ را هم بر ۲ قسم نرم و سخت تقسیم می‌کنند. همانطور که در جنگ سخت دشمن به طور فیزیکی نیروها و ادوات خود را در خاکریز داخل می‌کند و از این جهت به مرزهای حریف نفوذ می‌کند در جنگ نرم هم نفوذی متناسب با آن صورت می‌گیرد که لزوماً فیزیکی نیست و به صورت قدرت نرم و نفوذ در فرهنگ و برنامه‌ها و سیاست‌ها محقق می‌شود. ایشان معتقدند نفوذ نرم از این جهت که به طور محسوس صورت نمی‌گیرد دارای خطر بیشتری است، چون درباره آن «غفلت» صورت می‌گیرد. (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۴ آذر ۹۴)

آیت‌الله خامنه‌ای در تعریفی از نفوذ، آن را «رخنه بی‌صدا» معرفی می‌کنند که این رخنه حتی می‌تواند در سطح مدیریت هدفمند مهدهای کودک شهر باشد که به نسبت نهادها و حوزه‌های دیگر چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۴ شهریور۹۴)

ایشان در جنگ نرم دشمن علیه انقلاب اسلامی «ابزار دشمن» را محدود می‌دانند و به طور مشخص به ۳ ابزار اشاره می‌کنند که عبارتند از: «تبلیغات» یا «ایران‌هراسی»، «نفوذ» و «تحریم». در حقیقت ایشان «نفوذ» را در کنار تحریم و ایران‌هراسی ۳ ضلع مبارزه نظام سلطه با انقلاب اسلامی در دوره جدید می‌دانند. (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، اول فروردین۹۵)

البته باید در نظر داشت که ایشان در جایی تعریف خاصی از نفوذ دارند که خود روشی در کنار روش‌های دیگر است و در جایی نیز تعریفی عام است که شامل بسیاری از روش‌ها مانند تبلیغات و جنگ روانی و حتی تحریم می‌شود، چراکه هدف از تحریم و تهدید نیز «نفوذ» تلقی می‌شود. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲مهر۸۸)

■ **مراکز تحقیقاتی دشمن جهت برنامه‌ریزی در کیفیت‌نفوذ**

به بیان آیت‌الله خامنه‌ای جبهه مقابل انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب نهادهای فکری و مطالعاتی را درباره انقلاب و ریشه‌های آن تأسیس کرد تا ضمن مطالعه درباره آن روش‌های نفوذ و مقابله با آن را هم مطالعه و معرفی کند. ایشان از ده‌ها مرکز و کانونی سخن می‌گویند که برای این هدف تأسیس شده‌اند که درباره ماهیت تعدادی از آنها کاملا اشراف و علم وجود دارد که با همین هدف تأسیس شده‌اند اما درباره برخی دیگر، این موضوع قابل پیش‌بینی است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره نقش صهیونیسم و سرمایه‌ها و رسانه‌های صهیونیستی را مهم ارزیابی می‌کنند. (بیانات در دیدار مسؤولان و دست‌اندرکاران حج، ۳۱مرداد۹۴)

■ **۲ سطح کلان نفوذ؛ دولت و جامعه**

آیت‌الله خامنه‌ای در انجام پروژه نفوذ ۲ سطح کلی را از یکدیگر تفکیک می‌کنند که عبارتند از نفوذ در سطح «مسؤولان» و نفوذ در سطح «مردم». آیت‌الله خامنه‌ای بر خلاف دهه نخست رهبری‌شان که در ۲ سطح نفوذ دولت و ملت به واسطه مفهوم «تهاجم فرهنگی» ـ که شعبه دیگری از معنای نفوذ بود- بر سطح ملت تأکید داشتند، در دوره جدید به دلیل تغییر شرایط و تحولات رخ‌داده که با تثبیت «الیگارشی نوین» همراه بود بر نفوذ در سطح دولت تأکید دارند. البته هر دو در یک موضوع مشترک بودند که عبارت است از تغییر باورها و ارزش‌ها.

هدف از نفوذ لزوماً جذب نفرات به سیستم اطلاعاتی دشمن یا همکاری به عنوان مأمور و عنصر بیگانه نیست، بلکه در اینجا سخن از نوعی دگرگونی ایدئولوژیک است که مطابق آن مثلاً ایدئولوژی دولتمرد ایرانی همانند و همسو با ایدئولوژی سیاستمدار غربی می‌شود و در نتیجه این تشابه، رفتارها نیز تغییر می‌کند و همکاری جدیدی شکل می‌گیرد که مختصات خودش را دارد. لذا ایشان هدف از انجام این پروژه در سطح مسؤولان را این می‌دانند که «محاسبات مسؤولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسؤول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند... دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه! مسؤول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد». در حقیقت ایشان این روش را که برای نظام سلطه باصرفه‌تر است، پیش‌تر و در دوران اصلاحات با عنوان «استعمار فرانو» مطرح کرده بودند. اما فارغ از تشابه این دو سطح، تفاوت نیز در این است که هدف از نفوذ در مسؤولان، مداخله و تأثیرگذاری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آنان است در حالی که هدف از نفوذ در جامعه و مردم این است که وفاداری آنان را به ایدئولوژی دینی و وفاداری به انقلاب اسلامی بکاهند. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲مهر۸۸)

به عبارت دیگر هدف از نفوذ در سطح جامعه گسترش ایدئولوژی سکولاریستی است تا پشتوانه و قدرت مردمی انقلاب اسلامی رو به زوال بگذارد. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره همچنین به موضوعاتی چون اهداف «ناسیونالیستی، قومی‌گری و فرقه‌گرایی» و نیز سرمایه‌گذاری در محیط‌های دانشگاهی اشاره می‌کنند. (بیانات در دیدار مردم استان سمنان، ۱۷ آبان۸۵)

■ **اولویت داشتن نفوذ بر نخبگان**

با توجه به تعریف و توصیفاتی که آیت‌الله خامنه‌ای از نفوذ داشتند معلوم است ایشان نفوذ را تنها در مسائلی مانند جاسوسی یا نفوذ سازمانی و نهادی نمی‌بینند. با وجود این، زمانی که ایشان به تقسیم‌بندی نفوذ براساس ۲ معیار «موردی» و «جریانی» اقدام می‌کنند، بر این مطلب تصریح می‌کنند. البته لازم به ذکر است در همه سطوح، جامعه هدف به‌طور مشخص گروه‌های نخبگانی هستند که تأثیرگذاری بیشتری دارند و از آن طریق می‌توان حتی توده را تحت تأثیر قرار داد که شامل «تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان» می‌شود.

الف- نفوذ موردی: حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نفوذ موردی/ فردی را در ۳ سطح «جاسوسی»، «صعود به مرحله تصمیم‌سازی» و «صعود به مرحله تصمیم‌گیری و مدیریتی» قابل تحلیل و تحقق می‌دانند. به عبارت دیگر نازل‌ترین نوع نفوذ موردی را جاسوسی و مهم‌ترین آن را رسیدن به مراتب بالای تصمیم‌گیری و مدیریتی می‌دانند. ایشان با استناد به تاریخ ایران همه این موارد را «تجربه‌شده» می‌دانند. در این زمینه آیت‌الله خامنه‌ای حتی تأکید دارند تصریح کنند نفوذ در مرحله تصمیم‌سازی حتی در روحانیت نیز وجود داشته است و در تاریخ ۲ سده استعماری گذشته مصادیقی از آن محقق شده است.

ب- نفوذ جریانی: آیت‌الله خامنه‌ای نفوذ جریانی را به ۲ صورت بیان کرده‌اند: در قالب شبکه‌سازی و نیز تغییر نظام باورها و ارزش‌های جامعه که همان ایدئولوژی است. مطابق این تغییر، سبک زندگی افراد نیز تغییر می‌کند. با این توصیف، رهبر حکیم انقلاب، نفوذ جریانی که دامنه و عمق وسیع‌تری دارد را از نفوذ موردی دارای خطر بیشتری می‌دانند. آیت‌الله خامنه‌ای نفوذ جریانی را «شبکه‌سازی در داخل ملت» تعریف می‌کند که همین خود بیانگر اهمیت «نقش پول و نقش امور اقتصادی» و نیز نقش تبلیغ و «جاذبه‌های جنسی» است. به عبارت دیگر نفوذ جریانی به ۳ عنصر تشکیلات، تبلیغ و قدرت اقتصادی وابسته است و هدف آن هم تغییر ایدئولوژی و سبک زندگی جامعه است. آیت‌الله خامنه‌ای هدف اصلی دشمن را نفوذ جریانی می‌دانند که بخشی از آن توسط نفوذ موردی محقق می‌شود. (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۴ آذر ۹۴)

■ **نفوذ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی**

آیت‌الله خامنه‌ای با تقسیم حوزه‌های نفوذ به اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی، ۲ مورد نخست را از ۲ مورد بعدی کم‌اهمیت‌تر می‌دانند. ایشان معتقدند «کم‌اهمیت‌ترین آنها نفوذ اقتصادی است» و سپس «نفوذ امنیتی». به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای «نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است». از دلایل اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای این است که نفوذ امنیتی توسط نهادهای امنیتی مانند سپاه رصد می‌شود درحالی‌که نفوذ فرهنگی چنین نیست.

بدین ترتیب آیت‌الله خامنه‌ای در دوران جدید نیز بر ارتباط معنایی نفوذ و تهاجم فرهنگی تأکید می‌کنند. بر اساس تعریفی که قبلاً از نفوذ و اقسام آن ارائه شد که شامل ۲ نوع موردی و جریانی بود، باید گفت تهاجم فرهنگی همان نفوذ جریانی است یا لااقل بخش مهمی از آن محسوب می‌شود. با این تفاوت که در دوره جدید آیت‌الله خامنه‌ای بر بار سیاسی این تهاجم تأکید بیشتری دارند. (بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳مهر۹۴)

نفوذ در باورهای دینی و انقلابی که هدف دشمن از این نفوذ تلقی می‌شود بسیار اهمیت دارد، زیرا با تغییر این باورها نظام سیاسی کشور در سطح تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان رویکردهای دینی و انقلابی خود را از دست می‌دهد و همچنین در سطح جامعه نیز حامیان حکومت دینی و انقلابی کاهش می‌یابند: «نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند؛ وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت». (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۵شهریور۹۴)

مطابق ابعاد و تعریف از «نفوذ» و «محاسبه»ای که ایشان در جای دیگر داشتند، این پدیده برنامه‌ریزی‌شده از «انواع و اقسام طُرق» بهره می‌برد که ایشان حدود ۱۰ راه را شناسایی کرده‌اند. برخی از این طرق و اقسام نفوذ که عمدتاً شعبه‌ای از فرهنگ هستند، عبارتند از:

۱- «راه علمی»: «از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجو -کنفرانس‌های به‌ظاهر علمی [ولی] در باطن برای نفوذ- افراد امنیتی را اینجا می‌فرستند؛ این یکی از راه‌ها [است]».

۲- «راه‌های فرهنگی و هنری»: «یعنی به‌عنوان حضور در یک جشنواره هنری -مثلاً جشنواره موسیقی- کسی را انتخاب می‌کنند که این آدم، صددرصد سیاسی و امنیتی است؛ به‌عنوان [فرد] هنری اینجامی‌فرستند».

۳- «نفوذ اقتصادی» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰اسفند۹۴)

آیت‌الله خامنه‌ای وجود نقاط ضعف در «تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی» را موجب آن دانسته‌اند که «دشمن احساس کند با تحریم و امثال آن می‌تواند رخنه ایجاد کند». (بیانات در دیدار ۵۰ هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۲۹آبان۹۴). یعنی اینجا نیز در آسیب‌شناسی نفوذ ضعف درونی را عامل آن معرفی می‌کنند

آنچنان که در بالا نیز مشهود است آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند در پدیده نفوذ «تمرکز دشمنان روی فرهنگ بیشتر از همه جاست». با وجود این ایشان تصریح داشتند که «همه آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان» نیست و «خود ما هم مقصریم». با این توضیح که «حضور دشمن را هم در زمینه مسائل فرهنگی نمی‌توانیم فراموش کنیم... (زیرا آنها) باورهای قلبی مردم را مورد تهاجم قرار می‌دهند». (بیانات در حرم مطهر رضوی، اول فروردین۹۳)

■ **ناتوی فرهنگی و مقابله با هویت ملی**

آیت‌الله خامنه‌ای نفوذ را از عوامل نابودی «هویت ملت‌ها» می‌دانند، چراکه برای دولت‌های استعماری «چیزی به نام هویت ملت‌ها اصلاً ارزش ندارد». این تجربه‌ای است که در «۱۵۰ سال اخیر» در دنیا و در کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین اتفاق افتاده است. آیت‌الله خامنه‌ای تصریح دارند این تحولات «طراحی باندهای قدرت بین‌المللی» است و طراح اصلی هم «صهیونیست‌ها و سرمایه‌داران بین‌المللی» هستند. در حقیقت در اینجا رهبر بزرگوار انقلاب با مطرح کردن سرمایه‌داران بزرگ جهانی گامی بیشتر برداشته و ضمن آنکه ماهیت دولت در غرب را الیگارشیک و وابسته به بخشی از سرمایه‌داران بزرگ جهانی معرفی می‌کنند، پدیده نفوذ را ابتدا در خود جوامع غربی معرفی می‌کنند. در واقع این سرمایه‌داران بزرگ جهانی هستند که در حقیقت ماجرا و پشت دولت‌های غربی اقدام به نفوذ در فرهنگ و سیاست و اقتصاد جوامع دیگر می‌کنند. ایشان با به کار بردن اصطلاح «ناتوی فرهنگی»، آن را سازوکاری در جهت نفوذ در فرهنگ ملت‌های دیگر بویژه ملت‌های اسلامی می‌دانند که با ظهور رسانه‌های جدید حتی کار آنها ساده‌تر هم شده است. آیت‌الله خامنه‌ای، الیگارشی بین‌المللی را در پشت سر این سیاست می‌دانند و می‌گویند «برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولت‌های اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانی‌ها، سرمایه‌های عظیم، کارتل‌ها و تراست‌ها را به وجود آورند». در واقع آنها بوده‌اند که «لشکری از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات» را که ایشان «ناتوی فرهنگی» می‌خوانند به وجود آورده‌اند. (۱۷ آبان ۸۵)

■ **نفوذ و تغییر مرجعیت فکری**

آیت‌الله خامنه‌ای در مباحث مرتبط با نفوذ فرهنگی یکی از سرفصل‌ها و اهداف مهم دشمن در نفوذ فرهنگی را تغییر گروه‌های مرجع در جامعه معرفی می‌کنند. بر این اساس علما و روحانیان مهم‌ترین گروه مرجع در جامعه ایرانی بوده‌اند که تلاش می‌شود گروه‌های دیگری را جایگزین آنان کنند. البته ایشان نامی از گروه‌های مرجع جدید به میان نمی‌آورند اما با توجه به اتفاقات و تحولات چند دهه اخیر می‌توان از سلبریتی‌هایی چون ورزشکاران، سینماگران، اصحاب هنر و روشنفکران به عنوان مهم‌ترین این مرجع‌سازی‌های جدید نام برد. آیت‌الله خامنه‌ای از مهم‌ترین دلایل این سیاست و برنامه نفوذ را چنین بیان می‌کنند که طبق تجربه تاریخی علما و روحانیان قابل نفوذ نبوده‌اند. لذا آنها روی افراد دیگری حساب کرده‌اند تا با مرجع‌سازی از آنها بر اجزای جامعه نفوذ کنند. (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۹ اردیبهشت۹۲)

■ **نفوذ در دانشگاه و فضای مجازی**

از جمله محیط‌های مهمی که نفوذ در آن مهم تلقی می‌شود، دانشگاه است. این موضوع از ابتدای رهبری آیت‌الله خامنه‌ای که با هشدار نسبت به پدیده نفوذ همراه بود وجود داشت و کم‌وبیش در همه ادوار تکرار شد. به فرمایش ایشان «دشمن به طور ویژه، روی جریان‌های دانشجویی، سرمایه‌گذاری می‌کند تا بتوانند در محیط‌های دانشجویی نفوذ و رخنه کنند و برای خودشان سربازانی را در آنجا تدارک ببینند». (بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی، ۲۵ مهر ۸۵)

از جمله موارد دیگری که آیت‌الله خامنه‌ای برای مقابله با نفوذ فرهنگی و جریانی مدنظر دارند، مدیریت مناسب فضای مجازی است. در شرایط امروز جهانی و حاکم بر کشور ایشان «اهتمام ویژه به سالم‌سازی و حفظ امنیت همه‌جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه و مقابله مؤثر با نفوذ و دست‌اندازی بیگانگان در این عرصه» را بسیار مهم معرفی می‌کنند. افزون بر این مقابله ایشان انتظار از مدیریت مناسب فضای مجازی را «ترویج هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی- ایرانی و ممانعت از رخنه‌ها و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در این عرصه و مقابله مؤثر با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی» می‌دانند. (حکم انتصاب اعضای شورایعالی فضای مجازی، ۱۴ شهریور ۹۴)

پاورقی ۱۹

تاریخ مشروطه

■ دکتر موسی نجفی ■

و از این نکته بدیهیه، بالمره غفلت که در مقام تهییج و قیام اهالی ایران بدین تهییج که ای اهل ایران! مداخله قشون روس در مملکت شما ارکان استقلال سلطنت اسلام را منهدم ساخته و حفظ بیضه مقدسه اسلام بر همگی واجب است، با این شیوه که اولاد داریوش، مادر وطن شما را عاق می‌کند. محققاً آن تهییج یک تأثیری در قلب هر مسلمانی که خود را به احکام اسلام مکلف بداند، تولید می‌نماید؛ بر عکس این شیوه که به هیچ وجه منشأ اثر نخواهد شد؛ چه در میان سی کرور، اگر ۳۰ نفر یافت شود که بداند داریوش کیست و ۱۰۰ نفر دیگر که عرق وطن‌پرستی را دارا باشد ولی در رشته اسلام‌پرستی همه سهیم و شریک و هر یک خویشتن را ذمه‌دار بیضه اسلام می‌داند و بر حسب عقیده دیانتی قیام بر دفاع از آن را واجب می‌شمارد. و گذشته از این غفلتی که در اصل مجری سیر خود کرده، جسته جسته در بعضی از مطبوعات مقالاتی طبع و نشر می‌شود که بالمره مباین و مناقض با مسلک دیانت‌پروری و محول بغض و عداوت قاطبه متدینان نسبت به عالم مطبوعات و همه اوضاع جدیده و منشأ تولید نقار، نفاق و اختلاف کلمه فیمابین مسلمین است و فعلاً قاطبه ساده‌لوحان ملت از روی همین نشریات گاه گاهی حقیقت حریت و آزادی دینی و حریت مطبوعات در نشر اوراق ضاله و کتب ضلال می‌دانند.

تراکم این مندرجات خبیثه و تالی این مقالات منحوسه پی‌درپی در این ۱۵ ماه که از عمر حکومت جدیده گذشته، به اندازه‌ای مورث خسارت سیاسی و اخلاقی و بی‌ادبی و اجتماعی بر ملت فلک‌زده ایران شد که بیش از آنچه در حین تصور بود، ارکان استقلال این ملک و ملت را معدوم کرد. چنانچه در ماه اول ولادت حکومت جدیده که اول وهله آرامی سکون و وقت استرحت در سایه اتفاق و اتحاد کلمه فیمابین دولت و ملت بود، مقالاتی در بعضی جراید طبع و نشر شد که الحق خسارت وارده از ناحیه نشر این مقاله را به هیچ‌وجه نمی‌توان کمتر از خسارت قشون روس یا انقلاب صفحه شمال و جنوب تصور نمود...

انکار حکم قصاص تحت عنوان خاطره سنگین اعدام در جریده «ایران نو» و در شماره دیگری استخفاف به حکم استرقاف را طبع نشر نموده، جریده شرق روحانیان را تحت عنوان قوای میته به بهانه روحانیان نصاری هتک می‌کنند.

بالجمله اثرات سوء و مفاسد مترقبه بر اینگونه نشریات مضر، همین اختلاف حکم بین دولت و ملت و انزجار عموم از اوضاع حکومت جدیده است. چنانچه حساً می‌بینم که این آشوب و انقلاب که در هر جا رخ نموده و این قیامی که علیه دولت کرده‌اند، از ثمره همان نفرت و اختلافی است که از اینگونه اقدامات و نشریات خبیثه دست داده است.

با دقت در مقاله جریده «دره‌النجف» که به نوعی مبین و منعکس‌کننده آرای علمای مشروطه‌خواه نجف و عتبات بوده است این نکته دریافت می‌شود که در بین جناح‌های مختلف مدافع مشروطیت، بر روی این مساله مهم، عمیقاً اختلاف رأی وجود داشته است. از مطالب جریده شهر نجف، همچنین پی برده می‌شود که سیاست جایگزینی فرهنگ و شعارهای ایران باستان، از همان ابتدای طرح به‌عنوان نوعی مقاله با شعائر اسلامی مطرح شده و این شعائر خیلی زود با بی‌التفاتی و عدم استقبال مردم مواجه شده است.

■ **مردم‌شناسی و میزان تأثیر اندیشه مذهبی و غیرمذهبی در مردم**

یکی از بحث‌های مهم در انقلاب مشروطیت، مساله نحوه ارتباط و میزان تأثیری است که گرایش مذهبی در مردم داشته است. در اینجا باید مطلب را به یک واقعیت و تحلیل تاریخی منضم سازیم؛ و آن اینکه اگر ما جریان مشروعه غیرمشروطه را در جناح و گرایش مذهبی و جریان مشروطه‌خواه غربی غیرمذهبی را در جناح روشنفکران، ۲ نمونه کاملاً مقابل و ضد هم فرض کنیم، می‌توانیم به این نکته پی ببریم که واقعیت و نبض مسائل مشروطه و روند سیاسی صدر مشروطیت، مطابق میل و خواسته هیچ یک از این ۲ جریان پیش نرفت؛ چرا که جریان مشروعه غیرمشروطه در حادترین و رادیکال‌ترین موضعش به نفی نظام مشروطه حکم داد و جناح مشروطه غربی نیز اصولاً قدرت و توان سخن با مردم را نداشت. آنچه در عمل در میدان و صحنه سیاست در صدر مشروطه اتفاق افتاد، بسیج توده‌های مردم با شعائر کاملاً مذهبی و ملی توأم با هیجان بسیار بود؛ واقعیتی که اصولاً غربگرایان نمی‌توانستند موجد اصلی آن شده باشند.

ادامه دارد